

یکی آب ندارد و خون میدهد، دیگران شراب مینوشد و دست میفشارد



رستم پیمان

دانشجوی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل

دین اسلام دارای بیشتر از یک میلیارد پیرو از جمع بیش از شش میلیارد نفوس جهان میباشد که از نگاه کثرت بعد از دین مسیحیت دارای بیشترین پیرو میباشد اما این جمیعت به این بزرگی دیگر یک تن و یک روح نیست بلکه به سبب پالیسی های دقیق، سنجیده و نفاق زای دشمنان دین و دنیایی شان به ده ها تن و ده ها روح تجزیه شده اند و این ها دیگر پیرو کلام محمد و کلام الله نمیباشد که میگوید " و امرهم شوری بینهم" و به اتحاد دعوت کرده و از نفاق دور میکند بلکه همه پیرو گفته های آمریکا، اروپا و اسرائیل میباشد که یک امت را به چند ملت و یک دین را به چند مذهب تجزیه کرده اند که بر علاوه این تقسیمات، اجزای این تن و این روح را به معیار قرار دادن معیارات گوناگون مانند عرب و عجم، شیعه و سنی و یا مصری فلسطینی از کنار هم جدا کرده و در مقابل هم قرار داده اند تا یکی دیگری را از پا در آورد یکی دیگری را مرتد بگوید تا از طریق این مجرا ها، پالیسی های استعماری غرب و اسرائیل جامعه عمل بپوشد که این جدایی ها از خویش و پیوستن به بیگانه ها، از این حد و مرز هم گذاشته که بر علاوه اینکه از هم گسیخته اند در مقابل هم صف مردان جنگی کشیده اند.

غرب و اسرائیل با گذاشتن غلام های حلقه به گوش، بیلر نفت در دست و ابا و قیای دین در تن در راس کشور های اسلام و نهاد های معتبر اسلامی با جاری ساختن خواست های خویش از مجرای این اشخاص که مزین با القاب دینی مانند خادم حرمین شرفین و یا رهبر معنوی مسلمین جهان میباشد، به پالیسی های شوم خویش مشروعیت داده و دهن مسلمانان را با دست خود شان بسته اند که میتوان از کار کرد های که این عالی جنابان ما و غلام های حلقه به گوش دیگران در چند روز گذشته انجام داده اند ، نام برد:

روزی که میلیون ها فلسطینی مسکون در نوار غزه به سبب محاصره غذایی اسرائیل از یک طرف و مصر از طرف دیگر، آب در کوزه و نان در خوان نداشتند، ملک عبدالله شاه عربستان سعودی و ملقب به خادم حرمین شرفین پیک شراب به سر سلامتی غرب و اسرائیل و به سر به نیستی کل مسلمانان جهان اخصا فلسطینی ها نوار غزه در ضیافت که بعد از کنفرانس بین المللی صلح میان اعراب و اسرائیل در مقعر سازمان ملل متحد در نیویارک آمریکا که به خواست عربستان و به پشتیبانی غرب و اسرائیل و به گرداندگی ملل متحد دایر شده بود، به پیک بوش ریس جمهور امریکا کوبیده تا صدای ترنگ ترنگ ناشی از این کوبیدن و کوبیدنها، صدا و آواز های میلیون زن و فرزند که از قطعی در آسمان هفتم جهان طنین انداخته است، تحت تاثیر قرار داده تا مبدا این صدا آواز ها را گوش کدام وجدان زنده مسکون در جهان بشنود و لب به انتقاد مدعیان دموکراسی و حقوق بشر بگشاید و بداند که، حقوق بشر و دموکراسی جز وسیله برای رسیدن به اهداف غربی ها

چیزی دیگر نمیباشد، و از جانب دیگر، سر سپردگان خادم حرمین شرفین به این راز نرسد که خادم حرمین با سر کشیدن پیک شراب، شراب را ننوشید بلکه خون میلیون ها فلسطینی را نوشید.

و در حالیکه در یک گوشه از ضیافت پیک ها سر کشیده میشد در گوشه دیگر آن، شیخ طنطاوی شیخ الازهر و رهبر معنوی حدودا یک میلیارد مسلمان جهان، دست شیمون پرس ریس جمهور اسرائیل را در دست آنچنان میفشارد که گویا مرید دل و جان باخته، دست پیر خویش را میبوسد، دستی که هر جره آن از خون ده ها هزار فلسطینی تغذیه کرده است دستی که فرمان قتل و آوارگی میلیون ها فلسطینی را امضا کرده است که مطابق به عرف دیپلماتیک، فشردن دست پرس توسط رهبر معنوی جهان اسلام در حقیقت تبریه اسرائیل از کشتار و آوارگی و بیچارگی چند میلیون فلسطینی در طول و عرض چند ده میباشد.

گذشته از این دو رویداد، مسئله دیگر که مجذوب تر، جالب تر و بدبختانه تر است، اتحاد دولت اسلامی مصر با رژیم اسرائیل در محاصره غذایی نوار غزه میباشد، روزی که اسرائیل به هدف شکستادن جنبش حماسی حماس و یگانه مدعی استقلال سر زمین های اشغالی مرز های خویش را در روی یک و نیم میلیارد باشند نوار غزه بست تا یک و نیم میلیارد بشر را مجازات نماید و مدعیان حقوق بشر هم با بهانه که این ها بشر نیستند بلکه بشر نما میباشند چون اگر بشر میبودند باید مانند سایر بشر سر غلامی را در دربار غرب و اسرائیل خم میکرد، دهن را با تار های ابرشیم بستند، دولت اسلامی مصر هم بنا به خواست دولت اسرائیل عمل بالمثل انجام داده و مرز رفحه را که یگانه مرز نوار غزه با یک کشور اسلامی میباشد، مسدود نموده تا مبادا دل نازک یهود های جهان که نازکتر از دل یار میباشد، بشکند. که بر علاوه مسدود کردن مرز رفحه، تونل های زیر زمینی که نوار غزه را به صحرای سینای مصر وصل میکرد و از آن برای انتقال مواد غذایی و دارو برای باشندگان غزه استفاده میشد، انفجار داده و به چشم میلیون مادر و کودک فلسطینی باشند نوار غزه که چشم در این تونل ها بسته بودند، دود، بارود و خاک پاشیدند و ده ها فلسطینی را هم در این تونل ها به شهادت رساندند. و سکوت مدعیان شعار زنده باد اسلام در مقابل این خیانت های کشور های اسلامی و نهاد های اسلامی و حملات هوایی اسرائیل در نوار غزه در این شب و روز ها که باعث کشته شدن صد ها فلسطینی و زخمی شدن هزاران فلسطینی دیگر شده است، رمز دیگر است که ماهیت مدعیان دروغین شعار زنده باد اسلام را هویدا میکند که این سکوت این ها را میتوان این طور تعبیر کرد **که هم این سکوت کننده گان تا گلو در خون های جاری در نوار غزه غرق است و روزی هم تا فرق غرق خواهند شد** که با چند لحظه تفکر در مورد این موارد، سوالات متعدد در ذهن خلق میشود که:

چرا خادم حرمین شرفین شراب ناشرف را سر میکشد در حالیکه نوشیدن شراب در دین اسلام کاملاً حرام است؟ چرا رهبر معنوی جهان با فشردن دست ریس جمهور اسرائیل، اسرائیل را از جنایت اش در حق مردم فلسطین تبریه مینماید؟ چرا دولت اسلامی مصر مطابق به اشاره دست اسرائیل رقص غربی مینماید؟ و چرا و چرا مدعیان زنده باد اسلام آنچنان در مقابل این خیانت ها ساکت اند که گویا آب از آب تکان نخورده است؟ که هر کس مطابق ایده و دید خود شاید به این سوالات جواب های مختلف بدهد اما، بنده به عنوان یک جوان مسلمان و بریده از تمام گرایشات ملی و مذهبی به این عقیده است که:

خانواده اهل سعود از زمان در دست گرفتن قدرت حجاز که بعداً نام انرا به عربستان سعودی عوض کرد تا این زمان فقط در اختیار غربی ها بوده و امروز هم است، در ابتدا مجری طرح های بریتانیا و فعلاً هم از آمریکا، اروپا و اسرائیل چون این شاهی از اول مطابق به استراتژی های استعماری آن زمان بریتانیا تاسیس شد تا سد باشد در مقابل خلافت عثمانی و بعد از کشف چاه های نفت در این منطقه در تحت تسلط کمپنی های آمریکایی و اروپایی قرار گرفت که اکثریت سرمایه داران آنها یهودی ها میباشند و امروز هم مانند الاغی است که جهان اسلام را در پشت انداخته و به هر جهت که غرب لگام انرا جهت بدهد، خود و جهان اسلام را میکشاند و گذشته از این شیخ الازهر به دلیل قدامت و

اهمیت جامع الازهم و دانشگاه الازهر از جایگاه مهم در میان جوامع اسلامی برخوردار بوده است اما به دلیل اینکه دولت مصر یک دولت که عامل طرح های غرب و اسرائیل بوده که اعمال این دولت در این چند روز گذشته میتواند ثبوت محکم به این ادعا باشد و شیخ الازهر هم یک شخص انتصابی است و از طرف دولت مصر به این سمت گذاشته میشود و نمیتواند به جز آنچه را که دولت مصر خواهان است، اجرا نماید پس آرزوی مبنی به اینکه، شیخ الازهر آنچه را که منافع اسلام ایجاب مینماید باید عمل نماید، آرزوی است میان خالی و آرزو مند آن هم شخصی خواهد بود که ناآگاه با مسایل جهان اسلام و دلیل اینکه دولت مصر مرز رفحه در این شرایط بحرانی بر روی فلسطینی ها نوار غزه بسته و یا اگر عریان تر بگویم که در مجازات دستخجمعی باشندگان نوار غزه با اسرائیل عهد شراکت بسته است، دلیل است که آفتابی که به گفته بسیار معروف "آفتاب را نمیتوان با دو انگشت پنهان کرد" و تبلیغات رسانه های غربی هم نمیتواند با تبلیغات خویش مبنی به اینکه دولت مصر در مسئله محاصره نوار غزه بی طرف است، خیانت دولت مصر را پنهان کند چون دولت دیکتاتوری حسنی مبارک که در تحت چتر مدعیان دموکراسی و حقوق بشر روز را شب و شب را روز مینماید، بدون اینکه همراه و هم فکر حمایه گران خویش نگردد دیگر راه برای بقای آن باقی نخواهد بود بنا دولت مردان مصر منافع خویش را در گرو غرب گذاشته و منافع جهان اسلام را هم قربانی منافع غرب کرده است.

شاید مشکل ترین جواب، جواب این سوال خواهد بود که چرا مسلمانان جهان از کنار این رویداد ها بدون کدام واکنش میگذرد که گویا هیچ چیزی را نه دیده و نه شنیده و چون در عصر معاصر یگانه راهی خبر رسانی، رسانه ها است که متعسفانه اکثریت رسانه های که در کشور های اسلامی بیننده، شنونده و یا خواننده دارد و یا نسبت به سایر رسانه ها از نفوس بیشتر برخوردار است، تحت نفوس غرب بوده که یا توسط غرب تاسیس و یا توسط غرب تمویل مالی میشود که بنا به وابستگی نمیتواند آنچیزی را منافع غرب ایجاب ننماید نشر نماید و یا در صورت نشر مسایل که با منافع غرب همخوانی ندارد، کوشش میشود که این مسایل با نوعی نشر شود که غرب را تبریه و تمام تقصیرات را بالای شانه های جانب مقابل آن بیاندازد که نشر گزارشات از نوار غزه از بعضی رسانه ها در افغانستان، میتواند ثبوت به این مدعا باشد که اکثریت این نشریه به خصوص نشریه های تصویری که از تاثیر بیشتر نسبت به سایر نشریه برخوردار است، طوری واقعات نوار غزه را گزارش میدهد که گویا اسرائیل مجبور به دفاع از خویش گردیده و آغاز کننده جنگ هم حماس میباشد و تلویزون که در سایر اوقات سنگ مبارزه با ارتداد اسلامی را در سینه میکوبد و **پرنامه های بیا و ببین** را تهیه مینماید در این شب ها به عوض اینکه باید گزارشات مفصل از اوضاع نوار غزه تهیه نموده و به دست نشر بگذارد، آهنگ های هندی و فلم های آمریکایی نشر مینماید که باعث شده افکار مردم از حقایق که در نوار غزه جاری است، انحراف کرده و به جای حمایت از مردم مظلوم غزه به تحسین ستاره آمریکایی که در فلم مانند یک ناجی میدرخشند، بپردازد.

پس! اول باید مار های داخل آستین را سر از تن جدا کرد که تا مبدا در روز شمشیر کشی از پشت خنجر بزند و بعدا در میدان جنگ علیه دشمن بیرونی صف مردان جنگی بست و عاشقانه قربانی داد.